

یادداشت

رفع تعهد ارزی

چرا یک تکلیف به پرونده تبدیل می‌شود؟

جلیل حاجی حسینی

وکیل پایه‌یک دادگستری در امور اقتصادی و ملکی

برای صادرکننده، «رفع تعهد ارزی» قرار است پایان یک فرایند باشد؛ برای نظام ارزی، شاخصی برای سنجش بازگشت ارز صادراتی و برای بانک مرکزی، موضوعی که باید در چارچوب مقررات و سامانه‌های مربوط ثبت و تعیین تکلیف شود. اما در عمل، گاهی فاصله میان این سه تصویر آن‌قدر زیاد می‌شود که یک اختلاف در اطلاعات و یک تأخیر یا یک نقص در مستندات، از سطح یک مسئله اداری عبور کرده و به پرونده تعزیراتی تبدیل می‌شود. مسئله فقط صادرکننده‌ای نیست که ارز را برنگردانده است؛ پرسش مهم‌تر این است که اگر صادرکننده مدعی باشد ارز را برگردانده، اما بازگشت آن در مسیر مقرر ثبت یا تایید نشده باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر اطلاعات پروانه صادراتی و داده‌های بانکی با یکدیگر منطبق نباشند چه؟ اگر منشأ اختلاف، نحوه ثبت اطلاعات در سامانه باشد، نه اصل بازگشت ارز، آیا نتیجه حقوقی باید همان باشد؟ این پرسش‌ها زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم بانک مرکزی در مرداد امسال اعلام کرده تعهدات ارزی صادراتی پس از انقضای مهلت، حسب میزان تعهد، می‌تواند به دادستانی یا تعزیرات حکومتی منعکس شود. براساس اعلام بانک مرکزی، برای تعهدات بیش از سه میلیون یورو، مسیر دادستانی و برای مبالغ کمتر از آن، انعکاس به تعزیرات پیش‌بینی شده است. در چنین شرایطی، صادرکننده نباید منتظر ابلاغ پرونده تعزیرات بماند. نقطه آغاز دفاع حقوقی، خیلی پیش‌تر است: بررسی پروانه گمرکی، اسناد صادرات، سوابق بانکی، مهلت ایفای تعهد، اطلاعات سامانه‌های ارزی و مستندات مربوط به بازگشت ارز. گاهی پاسخ یک پرونده در همان اسنادی قرار دارد که صادرکننده تصور می‌کند صرفا اسناد حسابداری یا تجاری هستند. از سوی دیگر، قواعد نیز ایستا نیستند. بانک مرکزی در شهریور ۱۴۰۵ دو روش جدید برای رفع تعهد ارزی برخی صادرکنندگان اعلام کرد؛ ازجمله استفاده از فروش اسکناس ارز حاصل از صادرات با شرایط مقرر و ارائه اظهارنامه گمرکی. این تغییرات نشان می‌دهد فعال اقتصادی نمی‌تواند با اتکا بر مقررات یا رویه‌ای که در زمان صادرات وجود داشته، وضعیت امروز تعهد خود را بدون بررسی دقیق ارزیابی کند. اینجا یک خلأ مهم خود را نشان می‌دهد: تاجر باید پیش از آنکه متهم به تخلف شود، بتواند بداند وضعیت تعهد ارزی او دقیقا چیست. اگر سامانه، بانک، گمرک و اساد تجاری هرکدام تصویری متفاوت ارائه دهند، صادرکننده در برابر یک مسئله صرفا اقتصادی قرار ندارد؛ با یک ریسک حقوقی مواجه است. به همین دلیل، بررسی «پرونده رفع تعهد ارزی» نباید به زمان احضار در سرعیزرات موقوف شود. هر اخطار بانکی، مغایرت اطلاعات، عدم تایید رفع تعهد، اختلاف در میزان تعهد یا ابهام در اسناد صادراتی می‌تواند نقطه‌ای باشد که باید پیش از تشکیل پرونده بررسی شود. حفظ اسناد صادرات، تطبیق اطلاعات گمرک و بانک، بررسی سوابق بازگشت ارز و دریافت مستندات اقدامات انجام‌شده، دیگر تشریفات اداری نیست؛ بخشی از دفاع حقوقی صادرکننده است. اگر قرار است سیاست بازگشت ارز به اجرای تعهد منتهی شود، مسیر رسیدن از «عدم رفع تعهد» به «تشکیل پرونده» نیز باید برای فعال اقتصادی قابل پیش‌بینی و قابل دفاع باشد. در غیر این صورت، بخشی از انرژی بنگاه اقتصادی به‌جای تولید و صادرات، صرف توضیح‌دادن درباره پرونده‌ای خواهد شد که شاید ریشه آن یک اختلاف قابل حل در اسناد و سامانه‌ها بوده است.

هزینه تعویق

اگر فاصله میان تولید و مصرف برق افزایش یابد، نتیجه می‌تواند خاموشی و محدودیت تولید باشد. اگر مصرف سوخت از ظرفیت تولید پیشی بگیرد، هزینه واردات یا فشار بر منابع عمومی افزایش می‌یابد. اگر کسری بودجه بدون تأمین مالی پایدار باقی بماند، بخشی از هزینه آن می‌تواند در نهایت در قالب تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها ظاهر شود. اگر سرمایه‌گذاری در زیرساخت برای سال‌ها عقب بماند، مسئله‌ای که امروز با هزینه کمتر قابل مدیریت است، فردا به بحرانی پر هزینه‌تر تبدیل خواهد شد. با این حال، اصلاح این وضعیت نیز نمی‌تواند به معنای انتقال ناگهانی تمام هزینه‌ها به مردم باشد. اصلاح اقتصادی زمانی کم‌هزینه‌تر و پایدارتر است که تدریجی، قابل پیش‌بینی و همراه با یک سازوکار روشن حمایت اجتماعی باشد.

بنزین در این میان حساس‌ترین نمونه است. هرگونه تغییر احتمالی در قیمت آن باید با احتیاط بیشتری صورت گیرد و به چند شرط روشن گره بخورد: حفظ سهم حمایتی برای مصرف متعارف خانوار، افزایش متناسب حمایت‌های معیشتی از دهک‌های کم‌درآمد و خانوارهای آسیب‌پذیر و مهم‌تر از همه، بازگشت شفاف منابع حاصل از افزایش احتمالی قیمت به معیشت مردم و توسعه حمل‌ونقل عمومی. درآمد چنین اصلاحی نباید در هزینه‌های جاری بودجه کم شود؛ باید بتوان نشان داد چه میزان از منابع به خانوارها، حمل‌ونقل عمومی و کاهش هزینه زندگی بازگشته است. در کنار آن، توسعه CNG، حمل‌ونقل عمومی، خودروهای کم‌مصرف و برقی، انرژی‌های تجدیدپذیر، ذخیره‌سازهای برق، بهینه‌سازی ساختمان‌ها و افزایش بهره‌وری صنایع باید بخشی از همان بسته اصلاحی باشد. بدون ایجاد جایگزین، سیاست قیمتی به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل مصرف انرژی را حل کند. همین منطق درباره کسری بودجه و قیمت‌گذاری دستوری نیز وجود دارد. تثبیت اداری قیمت‌ها ممکن است برای مدتی آثار مسئله را پنهان کند، اما اگر هم‌زمان هزینه تولید افزایش یابد و امکان سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کند، بنگاه خصوصی انکیزه کمتری برای ورود به پروژه‌های بلندمدت نیروگاه، پالایشگاه، معدن، راه‌آهن یا صنایع زیرساختی خواهد داشت. تجربه اقتصاد ایران نیز نشان داده است که کمبود سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در نهایت خود را در ظرفیت تولید نشان می‌دهد. این البته به معنای مصون‌بودن دولت پزشکبان از نقد نیست. پرسش درباره سرعت اصلاحات، کیفیت تصمیم‌گیری، نحوه اطلاع‌رسانی، اولویت‌بندی پروژه‌ها و چگونگی حمایت از قدرت خرید مردم کاملاً موضوع نقد عمومی و کارشناسی است. حتی این توان پرسید چرا برخی اصلاحات ساختاری زودتر آغاز نشده یا چرا در بعضی حوزه‌ها دولت نتوانسته برای سیاست‌های خود اجماع اجتماعی کافی ایجاد کند. اما نقد اقتصادی زمانی مفیدتر است که از سطح برجسب‌های سیاسی عبور کند و وارد قلمرو عده و راه‌حل شود. در فضای سیاسی، درباره اینکه بخشی از حملات تند به دولت ادامه رقابت‌های انتخاباتی ۱۴۰۳ است یا نقدی مستقل به عملکرد دولت، برداشتهای متفاوتی وجود دارد. آنچه قابل سنجش است، خود سیاست‌ها و جایگزین‌های پیشنهادی آنهاست. اگر قرار است قیمت انرژی برای مدت طولانی ثابت بماند، باید مشخص شود فاصله میان هزینه و درآمد آن از چه منبعی تأمین می‌شود. اگر مصرف از تولید بیشتر شد، ظرفیت جدید با چه سرمایه‌ای ساخته خواهد شد؟ اگر کسری بودجه ایجاد شد، روش تأمین آن چیست؟ و اگر قرار نیست اصلاح قیمتی صورت گیرد، چه سیاست غیرقیمتی می‌تواند رشد مصرف و افت سرمایه‌گذاری را جبران کند؟

اقتصاد را می‌توان مدتی با تعویق تصمیم‌های دشوار اداره کرد، اما نمی‌توان صورت‌مسئله را برای همیشه عقب انداخت. در نهایت، فارغ از رقابت‌های سیاسی، یک قاعده ساده باقی می‌ماند: در اقتصاد، هزینه‌ای که امروز حذف نمی‌شود، معمولا فقط به فردا منتقل می‌شود.



ایمنی از هوش مصنوعی، ترس به جان خالقان آن انداخت

از بحران کنترل فنی تا خلأ حکمرانی جهانی

بهزاداحمدی

بژوهشگر ژئوپلیتیک فناوری و حکمرانی دیجیتال

خود را کاهش می‌دهد. در آمریکا نیز بخشی از صنعت و جامعه کارشناسی از ایمنی سخن می‌گویند، اما سیاست رسمی بیشتر نگران عقب‌ماندن از چین است. پکن بر کنترل انسانی تأکید می‌کند ولی هشدارهای غرب را تلاش برای مهار پیشرفت فناوری چین می‌داند. اروپا نیز نمی‌کوشد قواعد فناوری‌ای را تعیین کند که عمداً خارج از این قاره ساخته می‌شود، بنابراین مسئله اصلی کمبود هشدار نیست، بلکه شکاف میان نگرانی مشترک و آمادگی اندک بازیگران برای پرداخت هزینه مهار هوش مصنوعی است.

در سپتامبر ۲۰۲۶، بحثی که تا چندی پیش بیشتر در محافل تخصصی جریان داشت، به یکی از منازعات سیاست جهانی تبدیل شد. داریو آمودی، مدیرعامل آتروپیک، پیشنهاد کاهش هماهنگ سرعت توسعه پیشرفته‌ترین مدل‌های هوش مصنوعی را مطرح کرد و سم آلمن، ایلان ماسک و رهبران گوگل دیپ‌مایند، با ملاحظات متفاوت، از اصل این بحث حمایت کردند. تناقض آنجاست که همین شرکت‌ها در رقابتی پرهزینه برای ساخت نسل بعدی مدل‌ها قرار دارند و هیچ‌یک نمی‌خواهد نخستین بازیگری باشد که سرعت

آمریکا نگرانی از اثر مقررات جامع بر نوآوری و رقابت با چین پررنگ‌تر است. پکن نیز تنظیم‌گری را می‌پذیرد، اما آن را ذیل اقتدار دولت، ثبات سیاسی و امنیت ملی تعریف می‌کند. واشنگتن اروپا به زیرساخت‌های غیراروپایی و نفوذ احتمالی شرکت‌های بزرگ بر استانداردها، دامنه اثر این الگو را محدود می‌کند.

رویکرد پنجم، خودتنظیمی صنعت است. مدافعان آن هشدار می‌دهند مقررات زودهنگام می‌تواند هزینه ورود رقبای تازه را افزایش دهد و موقعیت شرکت‌های بزرگ را تثبیت کند. تعهدات داوطلبانه و تیم‌های ایمنی داخلی انعطاف بیشتری دارند، اما شرکتی که برای سرمایه و بازار رقابت می‌کند، نمی‌تواند فقط داور ایمنی محصول خود باشد. هنگامی که ایمنی با مزیت رقابتی تعارض پیدا کند، تعهد داوطلبانه بدون حسابرسی مستقل، گزارش اجباری رخ داده و مسئولیت حقوقی ممکن است به‌آسانی کنار گذاشته شود.

کشورهایی که مسئله را متفاوت می‌بینند

هند، روسیه و بسیاری از کشورهای جنوب‌جهانی صورت‌مسئله را متفاوت می‌بینند. هند میان نوآوری، حاکمیت داده و دفاع از صدای کشورهای در حال توسعه توازن می‌جوید و نمی‌خواهد قواعد سخت‌گیرانه فاصله آن با قدرت‌های پیشرو را تثبیت کند. در مواضع روسیه، حاکمیت فناوریانه، نقش دولت و جلوگیری از انحصار هنجاری غرب برجسته‌تر است. بسیاری از کشورهای جنوب‌جهانی نیز بیش از خطرهای دوردست، نگران نابرابری در دسترسی به تراشه، توان پردازشی و داده و حذف‌شدن از قاعده‌گذاری‌اند. آنان از حکمرانی چندجانبه حمایت می‌کنند، اما با قواعدی که مزیت دارندگان تراشه، خدمات رایانش ابری و مدل را تثبیت می‌کند موافق نیستند.

تاوانی این پنج رویکرد نشان می‌دهد مسئله اصلی کمبود ایده نیست، این است که قدرت فنی، اختیار الزام و مشروعیت سیاسی در سه نقطه متفاوت متمرکز شده‌اند. شرکت مدل را می‌شناسد، اما مشروعیت تنظیم منافع عمومی را ندارد. دولت الزام ایجاد می‌کند، اما اختیارش عمدتاً ملی است. نهاد بین‌المللی از مشروعیت فراگیری برخوردار است، اما نه به زیرساخت اختصاصی شرکت‌ها دسترسی دارد و نه از قدرت اجرایی دولت‌ها برخوردار است. اختلاف آمریکا، چین و اروپا و تنوع مطالبات هند، روسیه و جنوب جهانی خود در هیئت‌های علمی و فرایندهای استانداردگذاری را نشان می‌دهد. همکاری پروژه‌محور با جنوب‌جهانی را گسترش دهد و در صورت فراهم‌شدن شرایط، پیوندهای علمی و فناوریانه خود را با طیف متنوع‌تری از کشورها بازسازی کند. ایجاد نظام مستقل ارزیابی، ثبت رخداد و مسئولیت حقوقی نیز باید بخشی از همین مسیر باشد. بدون چنین پشتوانه‌ای، چندجانبه‌گرایی در حد موضعی سیاسی باقی می‌ماند و ایران دریافت‌کننده قواعدی خواهد بود که دیگران نوشته‌اند. حضور دیپلماتیک زمانی به قدرت چانه‌زنی تبدیل می‌شود که بر دانش فنی، حافظه نهادی و ظرفیت کارشناسی پایدار تکیه داشته باشد.

تلاش ایران برای خروج از انحصار فناوریانه

نگاه ایران به سازمان ملل از همین زاویه قابل فهم است. ایران در سال ۲۰۲۴ از هم‌بنیان‌پیش‌نویس قطع‌نامه «ارتقای همکاری بین‌المللی در زمینه ظرفیت‌سازی هوش

فنی‌بیز

ساختن یک کیف پول برای خاورمیانه

اتصال پول هنوز در بسیاری از سیستم‌های مالی با چند مرحله همراه است؛ واردکردن اطلاعات کارت، دریافت رمز، تأیید تراکنش و گاهی انتظار برای کامل‌شدن فرایند. ایده Ziina از تلاش برای کوتاه‌کردن همین مسیر شکل گرفت: اگر فرستادن پول بتواند به‌سادگی ارسال یک پیام باشد، تجربه پرداخت برای کاربر چه تغییری می‌کند؟ Ziina یک شرکت فین‌تکی مستقر در دوبی است که در سال ۲۰۲۰ توسط فیصل توکان، سارا توکان و اندرو گلد راه‌اندازی شد. محصول اصلی این شرکت در ابتدا یک اپلیکیشن پرداخت همتابه‌همتا بود که به کاربران اجازه می‌داد با استفاده از شماره تلفن، پول ارسال یا دریافت کنند. کاربر مبلغ و شماره تلفن گیرنده را وارد، تراکنش را تأیید و گیرنده پول را در کیف پول Ziina دریافت می‌کند. اما مسیر این استارت‌آپ خیلی زود از انتقال پول میان افراد فراتر رفت و خدمات آن به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیز گسترش پیدا کرد.

ایده‌ای که در آمریکا شکل گرفت

با اینکه Ziina امروز در دوبی فعالیت می‌کند، نقطه شروع آن به آمریکا برمی‌گردد. فیصل توکان، متولد دوبی، برای تحصیل به آمریکا رفت و پیش از راه‌اندازی Ziina در حوزه سرمایه‌گذاری و فناوری فعالیت داشت. او در جریان مطالعه سیستم‌های پرداخت کشورهای مختلف، متوجه ناکارآمدی‌هایی در تجربه خدمات مالی در دوبی شد. اندرو گلد نیز در آمریکا تحصیل کرده و در حوزه توسعه نرم‌افزار و مهندسی فعالیت می‌کرد. این دو در یک هکاتون با یکدیگر آشنا شدند و ایده ساخت یک کیف پول دیجیتال را مطرح کردند. فیصل سپس این ایده را با سارا در میان گذاشت و در سال ۲۰۲۰، سه بنیان‌گذار Ziina را راه‌اندازی کردند. یک سال بعد، Ziina به عنوان سومین استارت‌آپ اماراتی وارد شتاب‌دهنده Y Combinator شد؛ اتفاقی که مسیر توسعه و جذب سرمایه شرکت را سرعت بخشید. حتی نام شرکت نیز از یک مفهوم عربی گرفته شده است. «Ziina» از واژه «زین» به معنای خوب یا زیبا؛ نامی که قرار بود با فرهنگ منطقه سازگار باشد و ایده ساده‌تر و روان‌ترکردن تجربه پرداخت را تداعی کند.

پرداخت به سبک پیام‌رسان‌ها

هسته اولیه Ziina بر پرداخت‌های همتابه‌همتا بنا شده است. کاربر برای شروع باید اپلیکیشن را نصب و با شناسه اماراتی خود حساب ایجاد کند. پس از آن، انتقال پول به واردکردن شماره تلفن گیرنده و مبلغ محدود می‌شود. کاربرد دیگر Ziina، پرداخت‌های گروهی است. مثلاً در یک جمع دوستانه، یکی از افراد می‌تواند درخواست کند تا هرکس سهم خود را پرداخت کند. این قابلیت، پرداخت‌های روزمره و تقسیم صورت‌حساب را به راحتی تجربه اپلیکیشن تبدیل کرده است. پول دریافت‌شده در کیف پول Ziina قرار می‌گیرد و کاربر می‌تواند در صورت نیاز آن را به حساب بانکی خود منتقل کند. این پلتفرم از روش‌های پرداخت و شبکه‌هایی مانند Visa و Mas-tercard نیز پشتیبانی می‌کند. اما برای یک فین‌تک، سرعت بدون امنیت کافی نیست. Ziina اعلام کرده اطلاعات منتقل‌شده در این سرویس رمزگذاری و اطلاعات کارت‌های پرداخت نیز در زیرساخت‌های دارای گواهی PCI-DSS نگهداری می‌شود. احراز هویت دومرحله‌ای و سازوکارهای نظارت بر تراکنش‌های مشکوک نیز بخشی از لایه‌های امنیتی این پلتفرم هستند.

وقتی کاربر، کسب‌وکار می‌شود

رشد Ziina فقط به پرداخت میان افراد محدود نماند. این شرکت به‌تدریج خدمات خود را برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط توسعه داد؛ بازاری که در امارات بخش مهمی از فعالیت اقتصادی را در بر می‌گیرد. کسب‌وکارها می‌توانند از طریق Ziina پرداخت دریافت کنند، لینک پرداخت سازند و آن را در کانال‌هایی مانند اینستاگرام و واتساپ برای مشتری ارسال کنند. ایجاد QR Code و امکان پرداخت با کارت‌های مجزه به NFC نیز از دیگر ابزارهای این پلتفرم است.

همچنین امکان اتصال به سرویس‌هایی مانند Shopify و WooCommerce را فراهم کرده و برای کسب‌وکارها API ارائه می‌دهد تا بتوانند پرداخت‌ها و اطلاعات مالی خود را با سیستم‌های دیگر یکپارچه کنند.